هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم



رزمندگان مسلمان اجازه نمی دهند ابرقدرت ها برای شان زعیم بتراشند و مزدوران خود را برما تحمیل نمایند. تعیین سرنوشت، حق مشروع ملت هاست.

از سخنان رهبر شهیدؒ

دور ششم -سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم و ششم ۶ میزان ۱۳۹۲ ۲۳ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۴ - 28 September 2013

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در کنفرانس بین المللی علماء تحت عنوان "اسلام و صلح":

صلح به عنوان یک مسئلهٔ ملی و ضرورت حیاتی مطرح است

ص۳



علمای جهان اسلام طی همایشی، به روز سه شنبه تاریخ ۲ میزان خواهان قطع مداخلهٔ خارجی ها و پایان جنگ در کشور شدند. این علما از کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه، ایران، پاکستان، اندونزی، سودان، تاجیکستان، قزاقستان و آمریکا برای این شرکت در این گردهمایی به کابل آمده بودند. بیش از ۲۰۰ تن از علمای دین، از جمله نمایندگان چندین سازمان اسلامی در جهان در کابل گردهم آمده‌اند و بر ضرورت ختم جنگ در افغانستان تأکید کرده‌اند.

صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی أفغانستان و رئیس شورای عالی صلح گفت در این همایش سخنرانی نمود که متن کامل آن را در همین شماره می خوانید.

این سخنرانی، با واکنش مثبت حاضران داخلی و خارجی همراه بود. سازمان همکاری های اسلامی از جمله شرکت کنندگان این نشست بود و آمادگی‌اش را برای همکاری در روند مذاکرات صلح در افغانستان اعلام کردند.

کنفرانس جهانی علماء و صلح امیدوار کننده بود

ص۲



سفر به بیجنگ بجای نیویارک

◇ **ابوبکر سبزوار**

چند روز قبل زمانی که اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد در نیویارک گشایش یافت، حامدکرزی برخلاف معمول همه ساله بجای شرکت در آن مجمع، غرض سفر چهار روزه عازم چین شد تا در کنفرانس اقتصادی اروپا- آسیا اشتراک ورزد. اعلامیهٔ دفتر ریاست جمهوری هدف از این سفر رئیس جمهور را تقویت روابط اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور افغانستان و چین خواند و گفت که رئیس جمهور در این کنفرانس سخنرانی خواهد داشت.

چین کشوری است که علاقهٔ فراوان به سرمایه گذاری در افغانستان دارد اما سرمایه گذاری این کشور در بزرگترین پروژهٔ استخراج معدن در افغانستان اکنون به مشکل بر خورده است. قراردادی که میان وزرات معادن افغانستان و کمپنی چینی در مورد معدن مس عینک در گذشته به امضا رسیده، اکنون به نظر می رسد که دارای شرایطی بوده که برای جانب چین الزام آور نبوده است و چین خواهان تجدید نظر در آن قرارداد است.

سفر حامدکرزی به چین به دعوت رئیس جمهور آنکشور این سوال را بمیان آورده است که چرا کرزی نخواست تا در

ص۵

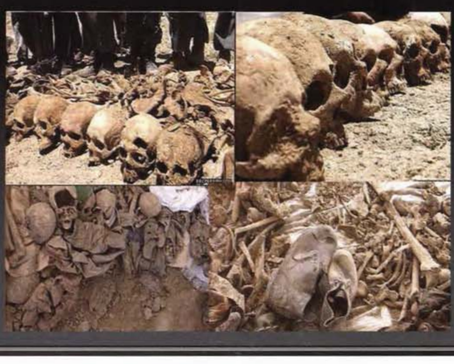
یاد های درد ناک گذشته که فراموش نا شدنی است

ص۷

در پیوند به انتشار لیست قربانیان توسط کمونیست ها:

۸ میزان روز ماتم ملی اعلام شد

ص۴



آزادی ملابرادر و آیندهٔ صلح در افغانستان

ص۵

از معاون تا معاونان جمعیت اسلامی افغانستان

ص۲

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲

شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

از معاون تا معاونان جمعیت اسلامی افغانستان

طوری که بارها در هفته نامهٔ مجاهد ذکر یافته، در آخرین سال های دوران سلطنت، جمعیت اسلامی افغانستان در شهر کابل اساس گذاشته شد و شهید پروفیسور برهان الدین ربانی به اتفاق همه بزرگان به حیث رهبر و محترم استاد سیاف به حیث معاون و شهید انجنیر حبیب الرحمن محصل پولی تخنیک به حیث منشی انتخاب گردید.

همه اعضای پیشگام جمعیت اسلامی با این واقعیت آشنا اند و محترم استاد سیاف طی بیانیه ای در نخستین روز های میزان ۱۳۹۰ در منزل استاد شهید آن را بیان نموده اند. همچنین در این هفته نامه و در خاطراتی از جمعیت اسلامی چند سال قبل این مطلب بیان گردیده و حتی اسنادی نیز نشر شده که وابستگی افراد را به جمعیت اسلامی نشان می دهد که امروز آن را قصداً فراموش کرده و گویا ادعا دارند که جمعیت اسلامی در سال ۱۳۵۷ بنا نهاده شده!!

زمانی که جمعیت اسلامی (و رهبری آن) در پشاور قرار داشت و به خصوص پس از کودتای خونین و ننگین هفت ثور، انجنیر احمد شاه احمد زی از سابقه داران جمعیت که در عربستان سعودی در یک دانشگاه استاد بود، به دعوت رهبر جمعیت اسلامی به پشاور آمد و به حیث معاون تعیین گردید.

زمانی که اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان تاسیس شد و بعد از مدتی، احزاب جهادی از آن جدا شدند، انجنیر احمدزی به جمعیت برنگشت و با آن اتحاد باقی ماند... اما حسن نظر رهبر جمعیت اسلامی همواره در مورد او وجود داشت و برای برگشت موصوف، این عهده در جمعیت خالی مانده بود. پس از چند ماه بعد از کودتای ثور، محترم سید نور الله عماد یکی دیگر از پیشگامان جمعیت اسلامی از راه ایران به پشاور آمد و بعد از مدتی به حیث منشی جمعیت اسلامی تعیین گردید... موصوف تا سال ۱۳۷۱ به حیث منشی جمعیت بود، گرچه اتحاد ها و حکومت های موقت هم طی سال های مذکور به وجود آمد ولی آقای عماد به حیث منشی باقی ماند... در سال ۱۳۷۱ محترم استاد سید عنایت الله شاداب به حیث منشی جمعیت اسلامی در مرکز کشور یعنی کابل تعیین گردید و در بهار ۱۳۸۶ محترم محمد نسیم فقیری در پی مشوره با برادران به حیث رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی- پس از برگشت از استرالیا- ایفای وظیفه کرد. در دهم سرطان سال ۱۳۹۲ شورای رهبری جمعیت اسلامی با مشورهٔ برادران و خواهران، تشکیلات جدید را معرفی داشت در این تشکیلات موقت، محترم صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی به حیث رئیس جمعیت، محترم استاد عطاء محمد نور والی بلخ به حیث رئیس شورای اجرائیه و محترم احمد ضیاء مسعود و محترم کلیم الله نقیبی به حیث معاونان جمعیت، محترم عبدالشکور واقف حکیمی به حیث سخنگویی جمعیت اسلامی، محترم عبدالستار مراد به حیث رئیس سیاسی و استاد واصل نور مهمند به حیث منشی جمعیت اسلامی برگزیده شدند.

پست معاونیت جمعیت که پس از انجنیر احمد شاه احمد زی تا ماه سرطان امسال، خالی مانده بود، با تعیین ذوات بالا به حیث معاونان جمعیت اسلامی تکمیل گردید...

گفتنی است که فرد یا افرادی نا آگاهانه و یا مغرضانه تلاش کرده اند که عکس های از محترم سید نورالله عماد را در سالگرد شهادت ص۵

کنفرانس جهانی علماء و صلح امیدوار کننده بود

□ **عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل**

به تاریخ دوم میزان ۱۳۹۲ هجری، کابل میزبان کنفرانس جهانی دانشمندان اسلامی بود. در این نشست بین المللی جهان اسلام، علمای شماری از کشور های اسلامی؛ چون: مصر، هندوستان، پاکستان، اندونزیا، کویت، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکیه، قزاقستان، سودان، ایران و دیگران در کابل برگزار گردید. هدف این کنفرانس را توقف جنگ، خشونت و نفرت از جنگ تشکیل می داد.

این کنفرانس که به همت شورای عالی صلح افغانستان تدویر یافته بود، راه حل مشکلات موجود در افغانستان از سوی دانشمندانی کشور های اسلامی به بررسی گرفته شد. در این کنفرانس مشکلات دنیای اسلام، اوضاع منطقه و راه های بازگشت به صلح و ثبات دایمی در افغانستان به بحث گرفته شد. یک چنین همایش جهانی بعد از ایجاد شورای عالی صلح در سال ۱۳۸۹ هـ . خ دست آورد بزرگ این شورا می باشد؛ زیرا در این اجلاس جهانی، تعدادی از نخبه های دنیای اسلام و افغانستان شرکت ورزیدند و پیرامون راه های رسیدن به صلح و ثبات در افغانستان بحث های مبسوط صورت گرفت و مخالفان افغانستان به یک دیالوگ بین الافغانی فراخوانده شدند.

نظر به اوضاع منطقه و جهان، افغان ها نسبت به ثبات سیاسی نیاز دارند؛ زیرا در نبود ثبات سیاسی، برنامه های اقتصادی، بازسازی و عدالت اجتماعی در کشور نا تمام خواهد ماند. مسؤولیت های امنیتی، انتقال سیاسی از طریق انتخابات و همکاری دراز مدت جامعهٔ جهانی با این کشور، مستلزم ثبات سیاسی در این کشور می باشد. تلاش های شورای عالی صلح از آغاز تاسیس در کشور محسوس بود. پروفیسور شهید برهان الدین ربانی تلاش های زیادی را در جهت ثبات سیاسی در کشور انجام داد تا مخالفان دولت بتوانند با این شورا کنار بیایند. نخستین تلاش های این شورا تماس های مستقیم با برخی از مخالفان مسلح دولت بود و به تداوم این تلاش ها، یک سلسلهٔ سفر ها به کشور های همسایه و اسلامی صورت گرفت و پیام صلح را این شورا با خود به این کشور ها برد.

حکومت افغانستان و شورای عالی صلح تلاش ورزید، تا یک کنفرانس مشترک را، با حضور علمای پاکستان و افغانستان در کابل برگزار نماید؛ اما علمای دینی پاکستان نظر به دلایل نا معلوم از شرکت در این کنفرانس ابا ورزیدند؛ اما در این نشست علمای دینی پاکستان اشتراک ورزیدند و از موضع صلح و گفتگو با مخالفان سخن گفتند و انتحار و ترور را مردود دانستند. آنچه در این کنفرانس خالی بود، نبود مخالفان؛ به ویژه طالبان بود. باید گفت که افغانستان در عهد حضرت عثمان (رض) به اسلام مشرف گردیدند و اسلام از این طریق به کشور های همسایه راه یافت؛ بنا بر این گفته می توانیم که افغانستان یک دژ بزرگ دفاع از اسلام به شمار می رود و این مردم حق دارند تا کشور شان از خشونت، فساد و جنگ نجات یابد.

اعضای این کنفرانس تاکید داشتند که قاتل و مقتول هر دو مسلمان هستند و این مسلمانان اند که به قتل می رسند و هر دو طرف مدعی برقراری حکومت اسلامی در کشور شان می باشند. باور مشمولان کنفرانس این بود که باید جای جنگ و خشونت را علم و تکنالوژی بگیرد و زمینهٔ کار و تعلیم و تربیهٔ اسلامی در کشور فراگیر گردد. بعد از خوانش پیام رئیس جمهور و سخنرانی رئیس شورای عالی صلح و شورای علماء، نخستین سخنران این همایش **استاد سیاف** بود، موصوف با تمام تر دستی و فصاحت به زبان عربی سخن گفت و ریشه های فتنه را در افغانستان از زمان شوروی سابق بدینسو به بررسی گرفت. به گفتهٔ استاد سیاف بعد از پیروزی جهاد در افغانستان، جهان به شمول کشور های اسلامی این کشور را تنها گذاشتند و جنگی که در زمان حکومت مجاهدان در افغانستان رخ داده بود، جنگ داخلی نبود بلکه، بر اساس کشور های طماع؛ به ویژه دنیا غرب و امریکا صورت گرفته بود، حکومت اسلامی فقط از خود دفاع نمود و حکومت مجاهدان آغاز گر جنگ نبود.

به گفتهٔ استاد سیاف، امروز مخالفان دولت به بهانهٔ حضور خارجیان با این دولت می جنگند؛ در حالی که در هنگام ورود این نیرو ها به افغانستان نه تنها با افغان ها مشورت نشد و هیچ یک از کشور های اسلامی به ورود این نیرو ها به افغانستان مخالفت نه نمودند و هیچ اعتراضی نیز شنیده نشد. هر قدر جنگ با مخالفان در این کشور شدت بیشتر یابد، این خارجی ها حضور خواهند داشت و این خارجی ها به هدف دراز مدت خویش به این کشور آمده اند، نه به هدف صلح و ثبات در افغانستان.

بشیر حداد از کشور عربستان سعودی از سخنران دیگر بود و موصوف به تفصیل سخن گفت و از گذشته های تاریخی افغانستان به خوبی یاد نمود و جهاد مردم افغانستان را تداوم نهضت سید جمال الدین افغانی خواند و واضح نمود که افغانستان مرکز آزادیخواهی در جهان اسلام است و نهضت افغانی، به بیداری کشور های اسلامی منجر گردید. به گفتهٔ بشیر حداد کشور های اسلامی امروز در یک تهدید دایمی به سر می برد، هر نوع پراگنده گی، شقاق کشور های اسلامی؛ به ویژه افغانستان را به سوی انحطاط خواهد کشاند. مسلمانان جز جامعهٔ بشری اند، مسلمانان ملائکه نیستند، اشتباه می کنند و باید خود را اصلاح نمایند. به گفته حداد همهٔ ما از خانواده اسلامی هستیم، قبل از همه باید برای نسل جوان در کار رهبری و مدیریت در کشور های اسلامی و افغانستان نقش داده شود. آتش جنگ وقتی به خاموشی می گراید که فرهنگ تفاهم و تحمل تحکیم یابد. به گفتهٔ وی، باید یک کمیته از علمای افغانستان و کشور های اسلامی تشکیل گردد، تا زمینهٔ چنین تفاهم را فراهم سازد. افغانستان به یک پروژه راه نیاز دارد و باید این پروژه به نام افغانستان جدید به فعالیت آغاز نماید. افغانستان با جوانان رشید و دانشمندان خود می تواند به پیش برود. به گفتهٔ بشیر حداد، آشتی و صلح یک حق است، همانطوری که حیات و زنده گی یک حق است.

سخنران دیگر این همایش محترم **دکتور حجی الکردی از کشور کویت** بود. به گفتهٔ وی در کشور های اسلامی دشواری های زیادی وجود دارد، کشور های اسلامی فقط مسؤول شهروندان خود نیستند؛ بلکه باید با سایر مسلمانان دنیا رابطه دینی داشته باشند. پیامبر اسلام (ص) در زمان حیاتش اجازه داده بود که غیر مسلمان با کمال آرامش در جامعهٔ اسلامی زنده گی نماید و مناسک دینی خود را بجا آورد.

دوکتور خالد بابکر از کشور سعودی ترور و آدمکشی را مردود دانست مبارزه با آن را یک اصل اسلامی خواند. هر چند در این کنفرانس موعظه و توصیه های دینی فراوان گفته شد و از فرهنگ صلح در اسلام صحبت به عمل آمد، اما دیده شود که چه پیام های عملی در قبال خواهد داشت.

این کنفرانس می تواند، روحیهٔ صلح خواهی افغانستان را در میان کشور های اسلامی تقویت بخشد. با وجود آنکه فضای حاکم بر کنفرانس را توصیه های دینی و اخلاقی تشکیل می داد و هر یک از سخنرانان به این ارزش اسلامی تاکید داشتند و بر فرهنگ صلح و آشتی اصرار می نمودند و راه رسیدن به صلح را در افغانستان گفتگو و تفاهم عنوان نمودند، نه جنگ و خشونت. این همایش و قطعنامهٔ پایان کنفرانس، مردم افغانستان را امیدوار نمود که دانشمندان کشور های اسلامی در حمایت این کشور قرار دارند و داعیهٔ بر حق و مظلومانهٔ این مردم را به جهان اسلام خواهند رساند و از برنامهٔ صلح خواهی این کشور پشتیبانی خواهد نمود، اما هر چه بوده باشد این کنفرانس یک حرکت انسانی و در جهت صلح و ثبات در کشور می باشد.

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح در کنفرانس بین المللی علماء تحت عنوان "اسلام و صلح":

صلح به عنوان یک مسئلهٔ ملی و ضرورت حیاتی مطرح است



سه شنبه دوم میزان ۱۳۹۲
هوتل انترکانتیننتال
کابل– افغانستان

الحمد للّه ربّ العالمین والصّلوة والسّلام علی رسوله الأمین و علی آله و اصحابه اجمعین امّا بعد؛

فاعوذ بالله من الشیطن الرجیم
بسْم الله الرّحْمن الرّحیْم
و اِنْ جنحوا للسلْم فاجْنحْ لها و توکلْ علی الله صدق الله العظیم

علمای محترم! سفرای گران‌قدر کشورهای اسلامی، نمایندگان کشورهای دوست، اعضای محترم شورای علمای افغانستان، اعضای محترم شورای عالی صلح، بزرگان، خواهران و برادران!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

در آغاز به نمایندگی از شورای عالی صلح تشریف آوری و حضور همهٔ شما بزرگان را خوش آمدید و خیر مقدم عرض نموده و از شورای علمای افغانستان و سازمان همکاری اسلامی OIC که در جهت تنظیم و زمینه سازی برای برگزاری این نشست ما را همکاری نموده اند، اظهار سپاس و تشکر می کنم.

نشست امروزی ما چه از بُعد ضرورت ملی مردم افغانستان و چه از بُعد اسلامی آن از اهمیت زیادی برخوردار است امیدوارم که نتیجهٔ اصلی این نشست ارائهٔ پیام و راهکار روشنی در رابطه به ضرورت صلح و اهمیت آن بوده باشد.

حضار محترم علمای گران‌قدر!

در قدم نخست چنان‌که می‌دانیم ما امروز این نشست مهم را در هفتهٔ صلح و وحدت ملی برگزار می‌کنیم، هفته‌ای که رهبر جهاد و مقاومت و شهید صلح، پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس سابق شورای عالی صلح در آن به شهادت رسیده اند. رهبر جهاد و مقاومت، دانشمند بزرگوار، مؤمن مبارز، سیاستمدار نخبه، نویسندهٔ توانا، آموزگار بی‌بدیل و سرانجام آزادهٔ ایست که یک عمر برای آزادی حاکمیت دین خدا، حفظ استقلال و حفظ هویت ملی ما رزمیدند.

بلی، اگر دیروز شرایط افغانستان ایجاب مبارزهٔ مسلحانه را می‌کرد رهبر شهید در به ثمر رساندن آن از همه پیشتاز بودند، و پیوسته در این راه مبارزه کردند. بعد از به میان آمدن صفحهٔ جدیدی در تاریخ افغانستان استاد با درک اینکه صلح ضرورت حیاتی این ملت و تنها راه پایان بخشیدن به خشونت‌ها در کشور می باشد عهده دار مسؤولیت بزرگ رهبری پروسهٔ صلح گردید، اما دیری نگذشت که در همین راه هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. باید یاد آور شوم که استاد شهید به عنوان یک بیدارگر بزرگ اسلامی همیشه در محافل ملی و بین المللی بر ضرورت اتخاذ موضع واحد در قبال حوادث و تحولات جهان اسلام و افغانستان در پرتو نصوص و احکام شریعت اسلامی تاکید می‌نمودند. که بدون شک بر تدویر نشست های بزرگ جهانی علمای اسلام در رابطه به صلح و مخصوصاً مسئله افغانستان به عنوان ضرورت جدی تاکید می نمودند.

پس با برگزاری کنفرانس امروزی، امیدوار هستیم در برآورده ساختن یکی از آرزو های رهبر شهید تلاش نموده باشیم. روح شان شاد و یاد شان گرامی باد.

حضار محترم!

ملت مسلمان افغانستان سال های زیادی با مشکلات و فراز و نشیب های متعددی دست و پنجه نرم کرده است. این ملت بیش از یک و نیم میلیون شهید و صدها هزار مهاجر و معیوب و معلول را در جهاد و مبارزات برحق خود که برای دفاع از دین استقلال و هویت ملی ما بود، متقبل گردیده است. پس از این همه مبارزات خستگی ناپذیر و دوره های دشواری که کشور پشت سر گذاشت صفحهٔ جدیدی در تاریخ این کشور رقم خورد و توقع ملت مسلمان افغانستان این بود که نه‌تنها ما دیگر شاهد کشتار و آواره‌گی و مظلومیت نمی‌بودیم؛ بلکه بایست وحدت و اخوت و همگامی همهٔ اقشار و طرف‌های قضیهٔ افغانستان یاری رسان این کشور در راه رسیدن به آرمان‌ها و آرزوی شهدای کشور می‌بود.

امّا نه تنها مردم ما؛ به آنچه توقع داشتند دست نیافته اند؛ بلکه کماکان در نتیجهٔ خشونت‌ها و بی‌ثباتی موجود قربانی می‌شوند.

نکته قابل تأمل این است که آنچه امروز ما شاهد آن هستیم خشونت هایی ست که به نام اسلام و مسلمانان پیوند خورده است در حالی‌که به باور من ملت مسلمان افغانستان به عنوان بخش مهمی از امت مسلمه که دیروز پیش رو جهاد و مبارزات برحق و در حقیقت سردمدار بیدارگری اسلامی بوده است سزاوار چنین وضعیتی نمی باشد. ما امروز در وضعیتی قرار داریم که توجیه یا عدم توجیه جنگ و خونریزی به یک مشکل پیچیده ای تبدیل شده است و سوالاتی را بمیان آورده است که در این راستا در جهت تفسیر درست از وضعیت کنونی و جستجوی راه حل به مسئلهٔ کشور اسلامی مانند افغانستان، نقش علمای اسلام را بس مؤثر و ارزنده می دانیم.

همانگونه که علمای محترم اکثریت کسانی را تشکیل می دادند که مبارزات و جهاد مردم افغانستان را رهبری و همراهی می‌کردند و از این مبارزات برحق حمایت می‌کردند به همین ترتیب امروز هم همین علما و شخصیت ها اند که در کنار مردم افغانستان برای رسیدن به صلح و ثبات دایمی تلاش می کنند. خوشحال هستیم که جناب حضرت صاحب صبغت الله مجددی، جناب محترم استاد سیاف و برخی شخصیت های دیگر اینجا حضور دارند هرچند با دریغ و درد که جای استاد شهید برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان و شهید صلح خالی ست.



به هر صورت گردهمایی و نشست علمای جهان اسلام و اتخاذ موضع روشن و واحد آنها را در رابطه به مسئلهٔ افغانستان نیاز جدی می دانیم. بناءً کنفرانس امروزی را برای بحث و تمرکز به سه محور اساسی تدویر نموده ایم.

اول اینکه چگونه می توان حمایت و همکاری منطقه‌ای کشور های اسلامی و مخصوصاً نشست هایی را که علما در آن حضور داشته باشند به نفع صلح در سرزمین اسلامی افغانستان به میان آورد.

مورد دیگر این است که علمای جهان اسلام از نزدیک عملاً جویای مشکلات اصلی افغانستان و مسئلهٔ جنگ و صلح در این کشور شوند و با استفاده از تجارب و اندوخته های علمی شان و همچنان از تجارب عملی علمای افغانستان در جهت دریافت راه و روش مناسب و درست برای ختم جنگ در این کشور بحث و تبادل نظر کنند.

و موضوع سوم اینکه نه تنها در افغانستان؛ بلکه در منطقه ذهنیت جنگ حاکم است و در رابطه به اینکه چگونه می توان در تغییر این ذهنیت کمک و همکاری کرد علمای محترم بحث و تبادل نظر کنند. ما واقعیت ها را از نزدیک به بحث گیریم و روش های مناسب را برای دریافت راه حل جستجو نماییم.

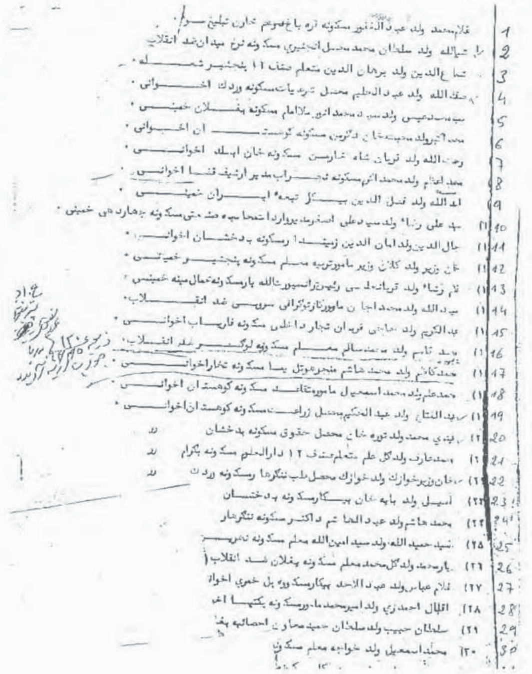
علماء و دانشمندان گران‌مایه!

با درنظرداشت وضعیت حسّاس کشور ما به این باوریم که تأمین صلح در افغانستان و تلاش برای ثبات دایمی در کشور باید به‌عنوان نیاز جدی و از مهم‌ترین اولویت‌های همه و به‌خصوص علمای بزرگوار! دانسته شود. با درک همین ضرورت اساسی شورای عالی صلح برای پیشبرد برنامهٔ مصالحه و ختم جنگ از طریق گفتگو و مذاکره ایجاد گردیده است. این شورا نتیجهٔ رأی و تصمیم دو جرگهٔ بزرگ مشورتی و عنعنوی کشور است که همهٔ اقشار ذی‌نفوذ به شمول علماء، سیاست‌مداران مجاهدین و حتی تعدادی از اعضای پیشین طالبان و دیگر شخصیت‌ها در آن عضویت دارند.

ص۶

در پیوند به انتشار لیست قربانیان توسط کمونیست ها؛

۸ میزان روز ماتم ملی اعلام شد



■ ثامر

دست های قدرت طلب و آنهایی که به کمک بیگانه ها و با کشتار، شکنجه و آزار می خواستند در کشوری به نام افغانستان به حاکمیت برسند، از مردم قربانی گرفتند، میلیون ها تن را به شهادت رسانیدند، معلول و معیوب ساختند، در کنج زندان های مخوف اذیت و آزار نمودند، بصورت جمعی شب هنگام با چشم ها و پای ها و دست های بسته زیر خاک کردند. که کشف گورهای دسته جمعی در مقاطع و در مناطق مختلف، اعلام لست دوازده هزار نفری توسط امین و ارایهٔ لست پنج هزار نفری کشته شده گان توسط امان الله رئیس تحقیق اگسا به حکومت هالند، شاهد این ادعاست.

چه تعدادی را که جنایت کاران و دژخیمان زمان به شهادت رسانیدند و بستگان شان بدست های خود به خاک سپاریدند و چه تعداد شهدای گمنامی ست که هنوز هم به امید دیدار آنها، خانواده ها و بستگان شان لحظه شماری می نمایند.

حفیظ الله امین از رهبران حزب خلق زمانی که رهبرش تره کی را به منظور بدست آوردن قدرت سیاسی به دستور اربابان کرملین کُشت، بخاطر اینکه از جنایت و کشتاری که این حزب با رسیدن به قدرت انجام داده بود، خود را شریک وانمود نکرده باشد، لست دوازده هزار زندانی را که به شهادت رسانیده بودند، در وزارت داخله به دید عام قرار داد و اینهمه جنایت نا بخشودنی را به دورهٔ حاکمیت تره کی حواله نمود. که این عمل مردم ما را در سوگ نشاند و آتش خشم شان در برابر حاکمیت بیشتر از پیش زبانه کشید.

اخیراً سارنوالی کشور هالند از یک لست ۵۰۰۰ نفری آن عده افغان هایی پرده برداشته و بدست نشر سپاریده است که در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ توسط اگسا - دستگاه استخباراتی رژیم کمونستی – شهید شده اند. حکومت هالند این لیست را بعد از تحقیقات در مورد شخصی به نام امان الله که سابق رئیس تحقیق اگسا – وی در جریان مصاحبه برای پناهنده گی خود تمام این حقایق را اقرار کرده و حتی از گذاشتن امضا در زیر سند اعدام ده ها نفر انکار نکرده است - بوده، به نشر رسانیده است، گفته می شود هالند این لیست را بخاطر دلسوزی و پایان دادن به انتظار آن عده افغان های که عزیزان شان را از دست داده اند و در بلاتکلیفی بسر می برند، نشر کرده است. شاید این لیست هم یکی از همان لست هایی باشد که امین نشر نموده بود و به نام لست مرگ یاد می شد اما به نسبت هجوم بیش از حد مردم آن لست به زودترین وقت از انظار ناپدید شد.

کشور عزیزما حدود چهار دهه است به حمام خون مبدل شده است. روزگاری کمونیست ها به یاری اتحاد شوروی سابق، و در دههٔ اخیر تروریزم بین المللی و دست های پیدا و پنهان دیگری از شهروندان کشورما قربانی گرفتند.

جانبازی و ایثار و فداکاری مردم مسلمان کشورما در آزادیخواهی، گسترش عدل، دفع تجاوز و کفر و کمونیزم و تروریزم کم نظیر است. با تقدیم حدود ۲۴۰۰۰ شهید در قیام تاریخی ۲۴ حوت هرات باستان و حدود ۵۰۰۰ شهید شهروندان کابل در یک روز فداکاری را به اثبات رسانید که جان های شیرین شان را در برابر حق نثار می نمایند اما زیر بار ظلم، نا برابری، کفر، بی دینی نمی روند و زندگی زیر بار اسارات را نمی پذیرند.

حکومت افغانستان در جلسهٔ خاص مشورتی - مورخ ۳۱ سنبلهٔ هفتهٔ گذشته - با رهبران جهادی و شخصیت های سیاسی کشور در ارتباط به انتشار این لیست، فیصله نمودند تا بتاریخ ۸ میزان سال روان مراسم فاتحه خوانی بخاطر دعا بر روان پاک این شهدا و سایر شهدای شناخته شده و گمنام کشور، در سرتا سر افغانستان برگزار گردد، بیرق کشور به رسم عزا برای دور روز به حالت نیمه برافراشته در آورده شود. اینهم فیصله شد، تا بخاطر ارجگذاری و یاد بود از شهدای کشور، یک باب مسجد و یک بنای یادبود در ساحهٔ پلچرخی شهر کابل اعمار گردد.

این عمل حکومت که از شهداء یادبود به عمل می آورد قابل قدر است اما اینکه دولت افغانستان در این مدت نتوانسته به این لست ها و عاملان آن دست یابد، و حتی بر عاملان ترور های زنجیره ای دوران حاکمیت اش، نتوانسته رسیدگی نماید، سوال برانگیز است. مردم رنجدیدهٔ افغانستان، خانواده ها و بستگان شهداء از دولت می طلبند تا به افشا و دستگیری عاملان این همه کشتار های جمعی و تباهکن رسیدگی نماید. نباید انتظار کشید که نظر به هر ملحوظ سیاسی، کشوری رخدادهای غم انگیز را جهانی بسازد و آنگاه ما به گفتهٔ مردم عام، به گلیم داری آن بپردازیم.

به روح همه شهدای کشور عزیز مان بشمول رهبر شهید استاد برهان الدین ربانی و سپهسالار جهاد و مقاومت احمدشاه مسعود که از سوی کمونیزم و تروریزم و توطیهٔ جهانی به شهادت رسیده اند، روان شان را شاد می خواهیم و به خانواده ها و بستگان شان تسلیت می گوییم و به دشمنان کشور و مردم افغانستان نفرین می فرستیم.

شاد باد روح همه شهداء

مصري حکومت خپل ولس بمباروي او السيسي د خپلې ولسمشرۍ لپاره دسيسې جوړوي

□ **شفيق**

په مصر کې د ولسواکۍ له لياري واک ته رسيدلي دوکتور محمد مرسي د حکومت له ړنګولو او بيا د هغه په ملاتړ کې په راوتلو لاريون کوونکو باندې د مرميو ورولو او بمبارۍ کولو وروسته اوس په سينا ټاپو کې هغه مسلمان اوړيکي بمباروي چې د عربي او اسلامي نړۍ ګډ دښمن اسرائيلو ته د مصر څخه د ګازو د ټلنيکې د غزيدو او ورته د ګازو د ورکولو مخالف دي او نه غواړي چې د نړۍ امنيت ګواښوونکی اسرائيل اړتياوې د مصر د اسلامي هيواد په لاس پوره شي.

سينا هغه ټاپووزمه سيمه ده چې ورڅخه د (رفح) د تونل له لياري د اسرائيلو ګټې اړتياوې تامينيږي او ورڅخه د ګازو هغه لولې تيريږي چې د اسرائيلو او اردن هيوادونو ته ګاز رسوي او هم د پوځي کودتاه له لياري ګوښه شوي ولسمشر محمد مرسي پلويان پکې ډير زيات دي او د خپل منتخب ولسمشر له واک څخه په ظالمانه توګه لېرې کېدو باندې يې د عکس العمل په توګه د مصري پوځي رژيم پر خلاف هم وسله وال پاڅون اعلان کړيدی.

په مصر کې د پوځي کودتا دغه اقداماتو پدې وروستيو کې زور اخستی او د دريو اونيو راهيسې يې پدې ټاپووزمه کې په بې رحمانه توګه په مسلمانو اوړيکو باندې بمبارۍ پيل کړيدي؛ مصري دولت د خپلو دغو اقداماتو دليل داښايې چې پدې سره غواړي د مصر نورو سيمو ته د نا امنيو د خپرېدو مخنيوی وکړي، پداسې حال کې چې دغو اوړيکو يوازې اسرائيلو ته د ګاز د غزيدو د مخالفت په توګه وسله پورته کړې د کوم کار چې هر مسلمان بېدار ضمير مخالف کوي او نه غواړي چې د يو مسلمان هيواد په امکاناتو سره د مسلمانانو دغه ګډ دښمن چاق شي؛ هغه چې د ټولې نړۍ امنيت يې له ګواښ سره مخ کړی دی. خو حقيقت دادی چې مصري حکومت دغه کار ددې لپاره ترسره کوي څو امريکا او لويديځه نړۍ پدې سره خوښه وګرځوي او د هغه احتمالي دريځ مخنيوی يې وکړي چې ښايي امريکا په مصر کې په ولسواکۍ باندې د ګوزار کوونکی مصري پوځ په پرله پسې ملاتړ سره نوره د نړيوالو په وړاندې د مخ کولو جوګه نه پاتې کېدو لامله د مصري پوځ ظالمانه کړنې او فرعوني چلند وغندي چې بيا به د ديکتاتور مصري پوځي رژيم لپاره د خپلو نظامي لګښتونو پوره کول ګران وي؟ ځکه امريکا دغه هيواد ته يو اعشاريه درې مليارده کلنۍ مرسته ورکوي. همدارنګه د مصري ولسواکۍ ړوونکی جنرال السيسي شومې ارادې نورې هم جوتې شوې چې اوس يې د يوې ډرامايي سيناريو له مخې يو ګوند رااوچت کړې څو د ولس د غولولو لپاره لکه د څلور مليوني مظاهرو په څير د ډرامايي ديرش مليونه لاسليکونه راغونډ او د مصري ولس د قاتل څخه په ټاکنو کې د ګډون غوښتنه وکړي او بيا لکه چې د ولسواکۍ پورې يې ملنډې وهلې، ټاکنې هم په خپله ګټه تمامې کړي، هغه ټاکنې چې اصلا هيڅ مشروعيت نلري. او پوځي مشران بايد د ولسي حاکميتونو ساتونکي اوسي. خو عجيبه داده چې هغه پوځ چې بايد د اسرائيلو د لنډغرۍ پر خلاف چاق او وروزل شي، د خپلو مصري ورونو د ټکولو لپاره څربيږي او د امريکا په مرسته ويار کوي او په خپل مسلمان ولس يې سترګې سرې کړيدي، مخ دې د داسې بې ننګه پوځ تور شي چې د خپل ولس د بچيانو په وژلو سره اسرائيلي دښمن او د هغې ملاتړه امريکا خوښوي او ورکه دې هغه روزي شي چې ولس سره بېلوي او د ولس څخه د دفاع په نوم جوړ شوی پوځ غلام ګرځوي، که نن پاکستاني ديکتاتور پرويز مشرف د لال جومات د معصومو زده کوونکو په ظالمانه توګه شهيدانولو حساب ورکولو لپاره د مرګ د پريکړې څخه ويريږي، انشاء الله ډير ژر به بې همته او غلام السيسي هم د داسې يو حساب سره مخ شي هغه چې د خپل مصري ولس له ټولو پاک او کدرونه لرونکي اسلامپال ګوند پر خلاف يې لاس اوچت کړ چا چې په همده باندې هم احسان کړی وو. سوله خوښي او د ولسواکۍ له لياري واک ته رسيدلی د الاخوان المسلمون ګوند ولسمشر يې له واکه ګوښه کړ او ددغه ګوند په زرګونه مشران يې بنديان او شهيدان کړل.

چې اوس (غل په غره کې نه ځائيږي) د متل له مخې السيسي او د هغه ظالمان پلويان له ويرې هر چا باندې لاس اوچتوي، کوم کار چې د اخوانيانو ملاتړي نور هم زيات کړيدي او ددې سره سره چې مصري رژيم پوره يوه مياشت د نظامي حالت له اعلانولو سره هم د الاخوان المسلمون لاريونونه د زرګونو تنو غړو په شهيدانولو سره ختم نکړای شو اوس يې د دوه وو مياشتو لپاره نور هم اضطراري او نظامي وغزاوه خو د احمقانو په جنت کې اوسيدونکي مصري پوځيان د مصري اخوانيانو د قربانۍ له تاريخ څخه هم خبر ندي چې کوم ګوند اتيا کلونه د مبارزې او سربښندنې تاريخ لري د هغو پر خلاف دا ډول ظالمانه کړنې هيڅ معنا نلري، اخوانيانو به د دوی د ظلمونو پر خلاف خپل د لاريونونو تکتيکونه بدل کړي خو سرونه به ټيټ نکړي؛ ځکه هغوی د شهيد حسن البناء، شهيد سيد قطب، شهيد عبدالقادر عوده او مبارزې دعوتګرې زينب الغزالي پيروان دي نه د مختورنو نظامي غلامانو چې د مصر پر ځاې د امريکا او اسرائيلو عظمت غواړي او خپله روزي د امريکا په مرستو کې ويني

آزادی ملابرادر و آیندهٔ صلح در افغانستان



وحید مژده

در ماه فبروری ۲۰۱۰ نیروهای امنیتی پاکستان با نظارت مستقیم نیروهائی از سازمان سیای امریکا به یک مدرسه در کراچی هجوم بردند و ملا عبدالغنی برادر، مرد شماره دوم طالبان افغان را بازداشت کردند. این کار در سطح بین المللی بازتاب وسیعی داشت و گفته شد که دستگیری ملا برادر بعنوان مغز متفکر این گروه، ضربهٔ شدید به فعالیت های نظامی طالبان وارد خواهد آورد.

دستگیری ملابرادر مقارن با زمانی بود که ملا عبیدالله معاون ملامحمد عمر در امور نظامی در زندان پاکستان به قتل رسید. ملاعبیدالله هرچند رسماً به جرمی متهم نشد اما وی به دلیل رابطه با طالبان پاکستانی در وزیرستان و خرید اسلحه از بازار سیاه بدون اینکه مقامات پاکستانی را در جریان بگذارد، در سال ۲۰۰۷ دستگیر گردید. بعد از دستگیری ملا عبیدالله، بار مسؤولیت وی نیز بدوش ملا برادر نهاده شد.

چرا ملابرادر مهم بود؟ در تحریک طالبان افغان، رهبری به عهدهٔ ملا محمد عمر است اما بازوی اجرائی ملامحمد عمر، دوست نزدیک و همرزم وی ملابرادر بود. او بود که به نیابت از رهبر طالبان به عزل و نصب فرماندهان میدان نبرد می پرداخت، والی ها و ولسوال ها و قضات را تعیین می کرد و شبکه ای ارتباطی میان جنگجویان عادی تا رهبری طالبان را مدیریت می نمود.

چرا ملابرادر دستگیر شد؟

حکومت افغانستان مدعی است که دلیل دستگیری ملا برادر توسط پاکستان این بود که وی می خواست با حکومت افغانستان به مذاکره بپردازد اما طالبان این ادعا را مردود می دانند.

حقیقت این بود که امریکائی ها از سال ۲۰۰۲ در صدد تماس با طالبان برآمدند و در این جهت از برادران آقای کرزی کمک گرفتند اما این تلاش ها به جائی نرسید. طالبان این خواست از جانب امریکا را نوعی تلاش در جهت ایجاد چند دستگی در صف شان و در نتیجهٔ تضعیف خود ارزیابی کردند و به آن جواب ندادند. اما در سال ۲۰۰۹ وضع تغییر کرد. طالبان به این نتیجه رسیدند که امریکا از رسیدن به اهداف خود در افغانستان مایوس شده و در اکنون طالبان می توانند از موضع قوی تر با آنها به مذاکره بپردازند.

طالبان نخستین تماس ها با کای آیده نمایندهٔ خاص سازمان ملل متحد در افغانستان را در سال ۲۰۰۹ برقرار نمودند. هرچند این تماس ها در مرحلهٔ کاملاً ابتدائی قرار داشت اما از دید سازمان استخباراتی پاکستان بدور نماند. در ابتدا این تماس ها که توسط ملاعبدالمجید آخند صورت گرفت که ارتباط به مسایل بشری داشت. ملا عبدالمجید آخند مسؤول امور زندانیان در تحریک طالبان بود.

پاکستانی ها هرگز نمی خواستند تا طالبان افغان بصورت مستقل و بدور از حضور مقامات پاکستان با دیگران به مذاکره بپردازند و به همین دلیل این کار را نوعی اعلام مخفیانهٔ استقلال از جانب طالبان ارزیابی کردند. بیاد داریم که در دوران جهاد هم پاکستانی ها چنین اجازه ای را به رهبران مجاهدین ندادند و در نتیجه در مذاکرات ژنو، پاکستان به نماینده گی از مجاهدین شرکت نمود.

بنابراین وقتی این تماس ها برقرار شد، برنامهٔ دستگیری ملابرادر در دستور کار قرار گرفت اما پاکستانی ها می خواستند تا دستگیری وی به دو دلیل با حضور امریکائی ها صورت گیرد:

اول: به امریکائی ها نشان دهند که پاکستان در مبارزه با تروریسم صادقانه عمل می کند و به این ترتیب خود را از فشار های امریکا نجات دهند.

دوم: طالبان را از امریکا بترسانند و مانع از نزدیک شدن طالبان و امریکا گردند. به این ترتیب نشان دهند که مذاکره با امریکا می تواند برای رهبران طالبان خطرناک باشد.

پاکستانی ها در این بازی امریکا را فریب دادند و این مسئله زمانی روشن شد که کای آیده در عکس العمل به بازداشت ملابرادر گفت که با این کار، روزنه ای که برای مذاکرات و رسیدن به صلح باز شده بود، بسته شد. امریکائی ها بعدا در مذاکره با طالبان که به رفتن اعضای دفتر سیاسی طالبان به قطر منجر گردید اعتراف کردند که ابعاد این دخالت خود را بصورت درست ارزیابی نکرده بودند، یا بعبارهٔ دیگر پاکستانی ها آنها را فریب دادند.

تاکید های رئیس جمهور کرزی:

حامدکرزی بارها بر آزادی ملابرادر از زندان پاکستان تاکید داشت. می توان گفت اگر این تاکید ها نمی بود، ملابرادر نیز توسط پاکستانی ها کشته شده بود. بنابراین می توان گفت که حامدکرزی حق بزرگی بر گردن ملابرادر دارد.

اما اکنون که ملابرادر آزاد شده است، آیا وی همان کاری را خواهد کرد که ملا عبدالسلام ضعیف انجام داد؟ آیا او به کابل خواهد آمد؟ ملا عبدالسلام ضعیف با وساطت حامد کرزی از گوانتانامو آزاد شد و به کابل آمد.

توافقات پشت پرده:

در سفر اخیر رئیس جمهور کرزی به اسلام آباد، مقامات دو کشور توافق نمودند تا ملابرادر آزاد گردد اما نظر پاکستانی ها این بود که اگر ملابرادر به کابل برود، دیگر در پروسهٔ صلح تاثیر گذار نخواهد بود و اگر در پاکستان رها گردد، مانند سایر زندانیان طالب، امکان دارد تا به میدان جنگ برگردد.

بهترین راه اینست که دفتر دیگری برای طالبان در کشوری دیگر گشایش یابد تا طالبانی که میانه رو به شمار می آیند دارای مرکزیتی گردند و آدرسی بدست آورند. ملاآغا جان معتصم از قبل فعالیت هائی را در همین رابطه آغاز کرده است.

هم دولت افغانستان و هم پاکستان از فعالیت های دفتر قطر ناراضی بودند و بنابراین ساختن یک دفتر دیگر در عربستان سعودی و یا ترکیه می تواند بدیلی برای دفتر قطر باشد اما عربستان سعودی از اینکه مسؤول دو پارچه ساختن طالبان بشمار آید، اکراه دارد.

هرچند سعودی ها از طالبان برهبری ملامحمد عمر به این دلیل ناراضی اند که آنها قطر یعنی کشور رقیب سعودی در جهان اسلام را برای داشتن آدرس برگزیدند و سعودی را کشوری قلمداد کردند که بعد از سال ۲۰۰۱ با طالبان دشمنی کرده است، اما سعودی در قدم نخست خواهان آنست تا میزبان مذاکرات مقدماتی میان دولت افغانستان و اعضای میانه رو طالبان باشد نه کشوری که در آن دفتری دیگر برای طالبان گشایش یابد.

نقش ملابرادر:

شکی نیست که ملابرادر تا قبل از دستگیری در سال ۲۰۱۰ مهمترین رهبر طالبان بعد از ملامحمد عمر بود اما تجربه نشان داده که کسانی که از طالبان جدا می شوند، تاثیر خود را در تحریک از دست می دهند. این موضوع در مورد ملابرادر هم صادق است.

از جانب دیگر ملابرادر با ملاآغا جان معتصم هم در گذشته روابط زیاد حسنه نداشته است. به درخواست ملا برادر در اخیر سال ۲۰۰۹ ، ملامحمد عمر تغییرات مهمی را در تشکیلات طالبان وارد آورد که از آن جمله برکناری ملا معتصم از ریاست دفتر سیاسی و جانشینی طیب آغا بجای وی بود. همین مسئله موجب نارضایتی و در نتیجه عدم اطاعت ملا معتصم از رهبری گردید که موجب سوء قصد بجان وی شد. بنابراین فرستادن ملابرادر به یک کشور دیگر فقط می تواند فرستادن وی به تبعید باشد اما او هرگز با گروهی که مخالف دفتر قطر و رهبری ملامحمد عمر باشد، همکاری نخواهد کرد. پس می توان گفت، همانگونه که دستگیری ملابرادر تغییری در روند جنگ طالبان بمیان نیاورد، آزادی وی نیز تاثیری در پروسهٔ صلح نخواهد داشت و طالبان همچنان به نقش دفتر شان در قطر برای پیشبرد مذاکرات صلح تاکید دارند.

سفر به بیجنگ بجای...

اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد شرکت نماید و این فرصت مساعد را برای دیدار با رهبران جهان از دست بدهد. آیا این کار وی با اختلاف میان دولت افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا رابطه دارد؟

هرچند مسایل اقتصادی بخصوص بعد از سال ۲۰۱۴ برای افغانستان اهمیت حیاتی دارد و سرمایه گذاری های چین در افغانستان می تواند بصورت غیرمستقیم در تامین امنیت در افغانستان موثر باشد اما حامدکرزی از چین خواهان کمک های بیشتر از این است.

چین کشوری است که با پاکستان روابط بسیار نزدیک و دوستانه دارد. حامدکرزی آرزو دارد تا از این نفوذ چین بر پاکستان استفاده نموده و از این طریق پاکستان را به کمک به پروسهٔ صلح در افغانستان وادار سازد.

نظر چین نسبت به افغانستان یک نظر اقتصادی است و این کشور از نظر جغرافیائی نزدیک ترین قدرت اقتصادی جهان به افغانستان است که می تواند از مواد خام افغانستان استفاده نماید اما این بهره برداری بدون تامین امنیت در افغانستان ناممکن است. دوام جنگ در افغانستان مانع از استفادهٔ بهینهٔ چین از منابع اقتصادی افغانستان خواهد شد. به همین دلیل تامین ثبات و صلح در افغانستان به نفع چین خواهد بود.

درعین حال افغانستان خواهان کمک های نظامی از جانب چین به افغانستان است اما با توجه به شرایط خاص افغانستان که حتی امریکا حاضر به مسلح ساختن نیروهای نظامی افغان در حد لازم نیست، چنین خواست از چین بی ثمر است. چین نمی خواهد با دادن اسلحه به افغانستان، پاکستان را آزرده سازد.

اما این سفر می تواند پیامی به ایالات متحدهٔ امریکا داشته باشد. در شرایطی که امریکا خواهان امضای قرارداد امنیتی با افغانستان بوده و حتی برای این کار ضرب الاجل هم تعیین کرده است، حامدکرزی بر شرایط خود تاکید دارد و گفته که هیچ عجله ای در امضای این قرارداد ندارد بلکه باید در این مورد، جرگه ای از نماینده گان مردم تصمیم بگیرند.

در حالی که کرزی برای امضای این قرارداد عجله ندارد، از جانب امریکا نشانه های زیادی از عجله دیده می شود. نخستین ترس امریکا از تاخیر در امضای این قرارداد هراس از مطرح شدن شرایط این قرارداد در جریان مبارزات انتخاباتی کاندیدا هاست. امریکا نمی خواهد این مسئله مورد بحث قرار گیرد و مشخص شود که امضای این قرارداد به نفع افغانستان نیست.

اما حامدکرزی شرایطی دارد که بخشی از آن به موقف امریکا در قبال انتخابات سال ۲۰۱۴ افغانستان رابطه می گیرد. اگر کرزی به نیویارک می رفت، با اوباما مذاکره می نمود که بخش مهم از این مذاکرات به موضوع همین قرارداد مربوط بود. بنابراین حامدکرزی با رفتن به چین به جای نیویارک و تجدید دیدار با اوباما، پیام نارضایتی خود را از امریکا را بعنوان نوعی فشار بر امریکا، تبارز داد.

اما به نظر نمی رسد که امریکا این پیام را جدی گرفته باشد زیرا جیمز دوبینز نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان بار دیگر تاکید نمود که امضای قرارداد امنیتی باید قبل از آغاز مبارزات انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان صورت گیرد تا مردم افغانستان همچنان در تاریکی نگه داشته شوند و ندانند که با امضای این قرارداد چه چیزی را بدست می آورند و چه چیزهائی را از دست می دهند.

از معاون تا معاونان جمعیت...

رهبر جهاد و مقاومت بر بعضی از جاها نصب و او را معاون جمعیت اسلامی قلمداد نمایند! حال آنکه، برهمه روشن است محترم آقای عماد سال ها منشی جمعیت اسلامی بوده و هرگز معاون جمعیت نبوده و امروز که اصلاً نیست!

به همین ترتیب در سال شهادت رهبر جمعیت، کتابی تحت عنوان « فاجعهٔ فلسطین» به نام آقای عماد به دسترس ما قرار گرفت و در اخیر کتاب به زندگی نامهٔ موصوف اشاره شده که گویا ایشان در سال ۱۳۵۷ جمعیت اسلامی را در پشاور اساس گذاشته اند و یا معاون جمعیت بوده اند!!

در مورد اساس گذاری جمعیت اسلامی طوری که اشاره شد، سال ها قبل و در دوران سلطنت در پایتخت ما شهر کابل صورت گرفته و نه در پشاور و نه در سال ۱۳۵۷ !!!

چاپ کنندهٔ کتاب، اطلاع نداشته که خود آقای عماد عضو پیشگام جمعیت بود و در زمان تحصیل در دانشگاه کابل عضو این جریان بوده و مدتی را هر چند کوتاه در زندان به جرم جمعیتی بودن سپری کرده...

بهر صورت، معاون و معاونان جمعیت اسلامی همان بود و است و حرف های تبلیغاتی و دروغین، هرگز به جمعیت اسلامی مربوط نمی شود.

پروژهٔ مجانی آب آشامیدنی شهر بلخ

محمد اکرام اندیشمند

آب نوشیدنی سالم:

آب پـاک بـرای نوشـیدن، پخـت و پـز و شستشـوی از نیازهـای مبـرم در جهـت اسـتمرار حیـات انسـان اسـت. امـا افغانسـتان یکـی از معـدود کشـور هـای دنیـا اسـت کـه اکثریـت مـردم آن (در حدود ۱۶،۸میلیون نفـر) دسترسـی بـه آب آشـامیدنی پاک ندارنـد. قربـانی اصلـی آب ناپـاک آشـامیدنی در افغانستان اطفال اسـت کـه سـالانه هـزاران طفـل در اثر استفاده از آب ناپـاک و غیـر صـحی جـان خـود را از دسـت مـی دهنـد. دولـت افغانسـتان نـه تنهـا توانـایی تـأمین آب سـالم را بـرای شـهروندان خـود در شـهر هـا و روسـتاها نـدارد، حتـی ممکـن اسـت برنامهٔ دراز مـدت و افغانسـتان شـمول در ایـن جهـت بصـورت تیوریـک و در قالـب یـک نقشـه راه هـم در خانهٔ میز دولـت مـداران وجـود نداشـته باشـد. صـرف نظـر از بـود و نبـودِ چنـین نقشـه و برنامـه، واقعیـت آن اسـت کـه افغانسـتان بـه عنـوان کشـور فقیـر و وابسته به کمـک هـای خـارجی در دسترسـی بـه آب سالم و پاک نیاز بـه کمـک دارد تـا هزینـهٔ تهیـهٔ آب پاک در شهر ها و حتـی روسـتا هـا تـأمین شـود. بـه ویـژه تهیـهٔ آب پـاک بـرای سـاکنان شـهر در گـرو مساعدت کمـک کننـدگان خـارجی اسـت کـه بـدون ایجـاد سیسـتم مـدرن آبرسـانی آب پـاک را نمـی تـوان بـه درون شـهر بـه جریـان انـداخت و بـه ساختمان ها و منازل مسکونی انتقال داد.

منابع کمک کننده:

پروژه های تـأمین آب پـاک در افغانسـتان پـس از سـقوط حکومـت طالبـان در سـال ۲۰۰۲بـا مسـاعدت مـالی کشـورها و سـازمان هـای چـون: آلمـان، ایـالات متحـدهٔ امریکـا، بانـک انکشـاف جهـانی و برخـی سـازمان هـای خیریـهٔ دیگـر آغـاز یافـت. از ایـن میـان کشـور آلمـان از بزرگتـرین تمویـل کننـدگان هزینـهٔ تـأمین آب پـاک آشـامیدنی در افغانستان است کـه مصـارف پـروژه هـای تـأمین آب آشـامیدنی را بـا ایجـاد شـبکه هـای مـدرن آبرسـانی در بسیاری از شـهرهای افغانسـتان بـدوش دارد. هزینـهٔ ایجـاد شـبکه هـای جدیـد و عصـری آبیاری را توسط کشـور آلمـان سـازمان هـا و شـرکت هـای ایـن کشـور چـون: بانـک انکشـافی آلمـان (KFW)، شـرکت جـی تـی زیـد (GTZ) و INVENT می پردازد.

آلمـان در سـال۲۰۰۲ عیسـوی بـا هزینـهٔ دوازده میلیـون دالـر پـروژهٔ آبرسـانی شـهر هـرات را توسـط فرانک والتر اشـتاین مـایر وزیـر خارجـهٔ خـود افتتـاح کرد. کار این پـروژه پـس از پـنج سـال پایـان یافـت کـه بـرای پنجصـد هـزار نفـر سـاکنان شـهر، آب آشـامیدنی بیسـت و چهـار سـاعته فـراهم شـد. آلمـان در سـال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) پـروژهٔ آبرسـانی شـهرکابل را با هزینـهٔ بیسـت و پـنج میلیـون دالـر بـا وزارت شـهر سـازی و مسـکن امضـا کـرد. بانـک انکشـافی آلمـان (KFW) در سـال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹) سـه موافقـت نامـه را بـه ارزش نـزده میلیـون یـورو جهـت تـأمین هزینـهٔ پـروژه هـای آبرسـانی در ولایـات بلـخ، قنـدز، تخـار، بدخشـان و بنـد بـرق سـروبی ولایـت کابـل بـا وزارت مالیـهٔ افغانسـتان بـه امضـاء رسـاند. در نـزدهم جـون ۲۰۱۱ حضـرت عمـر زاخیلـوال وزیـر مالیـه، سـلطان حسـین خسـروی وزیـر شهرسـازی و مسـکن و دادمحمـد بهیـر رئـیس عمـومی شـرکت آبرسـانی افغانسـتان در کنفـرانس مشـترک بـا سـفیر آلمـان در کابل اظهار داشتند که آلمـان شصـت میلیـون دالـر در بخش آبرسانی به افغانستان مساعدت می کند.

آلمان و پروژهٔ آبرسانی ولسوالی بلخ:

بانـک انکشـافی آلمـان (KFW) بـر مبنـای قـرارداد هـای متـذکره هزینـهٔ تمدیـد شـبکهٔ جدیـد آبرسـانی را در مرکـز ولسـوالی بلـخ ولایـت بلـخ بـا هزینهٔ بـیش از شش میلیـون دالـر بصـورت مجـانی و بلاعـوض متقبـل شـد. ایـن پـروژه در نـزدهم حـوت ۱۳۹۱ (نهـم مـارچ ۲۰۱۳) در شـهر بلـخ مرکـز ولسـوالی بلـخ افتتـاح گردیـد. عبـدالجمیل مسـیح رئـیس آبرسـانی ولایـت بلـخ هنگـام افتتـاح پـروژه گفـت کـه سیسـتم آبرسـانی در شـهر بلـخ بصـورت مـدرن و مطـابق بـه معیارهـای جهـانی آمـاده مـی شود. پروژهٔ مذکور تا هجـده مـاه بـه پایـهٔ اکمـال مـی رسـد و هفـت هـزار خـانواده از آب پـاک آشـامیدنی مستفید می شود.

قـرارداد و تعهـدات جانـب آلمـان و افغانستان بر سر پروژهٔ بلخ:

تمـام هزینـهٔ پـروژهٔ آبرسـانی بلـخ از مسـاعدت بلاعـوض کشـور آلمـان توسـط بانـک انکشـافی ایـن کشـور KFW تأمین مـی شـود. بـر مبنـای قـرار داد و تعهـدات جانـب آلمـان و افغانسـتان و مطـابق Grant Agreement کـه بـین بانـک انکشـافی آلمـان (KFW)، وزارت مالیـه و وزارت شـهر سـازی افغانسـتان بـه امضـاء رسـید، امـوال و اجنـاس پـروژه هـای آبرسـانی مشـمول کمـک بانـک انکشـافی آلمـان از محصـول گمرکـی و کلیـه تکـس هـای دولـت افغانسـتان معـاف مـی باشـد. معافیـت تکـس و محصـول گمرکـی پـروژه هـای آبرسـانی از جمله پروژهٔ آبرسانی شـهر بلـخ از مـتن قـرار داد امضـاء شده میـان طـرف هـای متـذکره بـه صـراحت و بـدون هیچ ابهامی، مشخص و قابـل درک اسـت. بـا نگـاه بـه مـواد قـرار داد منـدرج مـاده GCC14.2 شـرایط خـاص قـرار داد و مـاده هـای ۱،۱۴، ۲،۱۴، 4، .14. ۳،۱۴ شرایط عمومی قـرارداد، تمـام اطـراف نیـاز پـروژه های یـاد شـده از عمـوم محصـول تکـس هـا معافیـت دارند.

تخلف وزارت مالیه و احتمال توقف پروژهٔ بلخ:

ریاست گمـرک وزارت مالیـه علـی رغـم قـرارداد و تعهـدات رسـمی و کتبـی وزارت مالیـه در مـورد معافیـت گمرکـی امـوال و اجنـاس پـروژه هـای آبرسانی منجمله پـروژهٔ بلـخ، در واقـع بـا لغـو و نادیـده گـرفتن ایـن معافیـت خواسـتار پرداخـت محصـولات گمرکـی امـوال و اجنـاس پـروژه هـای آبرسـانی شـده اسـت. ایـن مطالبـه در مـورد پرداخـت محصـولات گمرکـی امـوال و اجنـاس پـروژه هـای آبرسـانی مـورد کمک بلاعوض آلمان کـه شـاید بـا انگیـزه و اسـتدلال ازدیـاد عوایـد دولـت صـورت گرفتـه باشـد، تکمیـل پـروژه را بـا هزینـهٔ مجـانی کشـور آلمـان بـه مخـاطره روبرو سـاخته اسـت. بخشـی از امـوال و اجنـاس مـورد نیاز پـروژهٔ آبرسـانی بلـخ کـه از آلمـان بـه مقصـد بلـخ انتقال یافت چنـد مـاه مـی شـود کـه در بنـدر حیرتـان بـا مخالفـت وزارت مالیـه مبنـی بـر پرداخـت محصـول گمرکی بلا اسـتفاده بـاقی مانـده اسـت. ایـن در حـالی اسـت کـه طـرف تمویـل کننـدهٔ آلمـانی در اسـتناد بـه قـرار داد و تعهـدات قبلـی وزارت مالیـه حاضـر بـه پرداخـت محصـولات گمرکـی امـوال و اجنـاس پـروژه آبرسانی بلـخ نیسـت. پرداخـت محصـول گمرکـی ایـن اموال کـه بـه بـیش از دوصـد هـزار دالـر تخمـین مـی شود به قول یک منبـع دفتـر آلمـانی، پـروژهٔ مـذکور در شـهر مزارشـریف غیـر قابـل قبـول اسـت و منجـر بـه توقف کـار پـروژه و توقـف پرداخـت هزینـهٔ آن خواهـد شد. این در حالی اسـت کـه شصـت تـا هفتـاد درصـد کـار پـروژهٔ آبرسـانی بلـخ انجـام یافتـه و در صـورت پرداخـت هزینـهٔ ایـن پـروژهٔ عـام المنفعـه مطـابق برنامه به اتمام خواهد رسید.

راه افزایش عواید دولت چیست؟

پرداخـت تکـس و مالیـات یکـی از مـؤثر تـرین و درست ترین راه افزایش عوایـد دولـت اسـت تـا زمینـه بـرای اسـتقلال و رهـایی افغانسـتان از وابسـتگی بـه کمـک خـارجی کـم از کـم در تـأمین بودجـه عـادی دولـت مسـاعد شـود. امـا چـرا دولـت افغانسـتان و بـه خصـوص ارگـان هـا و ادارات مرتبطـه بـه جمـع آوری مالیات در دوازده سـال پـس از سـقوط امـارت طالبـان مؤفقیت قابـل ملاحظـه در ایـن مـورد نداشـته اسـت؟ چرا دولت افغانستان حتـی نتوانسـت تـا بودجـهٔ عـادی خود را که کمتـر از یـک میلیـارد دالـر اسـت از منـابع داخلی عواید مالیاتی تأمین کند؟

ممکـن اسـت وزارت مالیـه اِغمـاض و ضـعفِ ناشـی از هـر عـاملی را در مـورد جمـع آوری تکـس، مالیـات و محصـولات گمرکـی موجـب عـدم مؤفقیـت تلقـی کنـد و بـا ایـن تلقـی، لغـو تعهـدات خـود را در مـورد معافیـت گمرکـی پـروژه هـای آبرسـانی نشـانهٔ مبارزه با این ضعف پنـدارد. امـا نـه تنهـا ایـن تلقـی و پنـدار یـک تـوهم و ریاکـاری اسـت، بلکـه راه جبـران این ضعف بـزرگ وزارت مالیـه از توقـف و یـا تخریـب یک پـروژهٔ عـام المنفعـه آنهـم پـروژهٔ آبرسـانی عبـور نمی کنـد. توقـف و تخریـب پـروژهٔ آبرسـانی بلـخ بـه بهانـهٔ اخـذ محصـولات گمرکـی امـوال پـروژه کـه از کمک بلاعـوض آلمـان هـا تـأمین مـی شـود، نـه بـه معنی صـداقت وزارت مالیـه بـه عنـوان یـک ارگـان و ادارهٔ مهـم دولـت افغانسـتان در افـزایش عایـد دولـت، بلکـه مبـین عـدم ظرفیـت و توانـایی آن در جـذب و بهـره گیـری از کمـک هـای جهـانی اسـت. در حـالی کـه ایـن دولـت در طـول بیشـتر از دوازده سـال گذشته و دولت هـای قبلـی کـم از کـم در طـول صـد سـال اخیـر کـه سیسـتم آبرسـانی مـدرن ایجـاد شـد قادر به تمدید یک متـر لولـه آب و تهیـهٔ آب پـاک بـه مردم ولسوالی بلخ نشدند.

دولتـی کـه بودجـهٔ عـادی آن کمتـر از یـک میلیـارد دالـر اسـت، امـا مقـدار پـولی کـه بـه عنـوان رشوت در سال گذشته پرداخت شـد بـه چهـار میلیـارد دالـر تخمـین گردیـد. آیـا افـزایش عوایـد دولـت از مـدرک مالیـات در چنـین فسـاد گسـترده متصـور است؟ آیا دولتِ بـا چنـین فسـاد فزاینـده و غیـر قابـل مهار، قادر خواهـد بـود تـا بـا ایجـاد یـک نظـام سـالم مالیـاتی میـزان عوایـد خـود را تـا مـرز خـود کفـایی و استقلال برساند؟

صلح بعنوان یک مسئلهٔ ملی و ضرورت...

با توجّه بـه ابعـاد ملـی منطقـه‌ای و جهـانی رونـد صـلح شـورای عـالی صـلح در مشـورهٔ نزدیـک بـا نمایندگان اقشـار مختلـف افغانسـتان در همـه سـطوح؛ تـا جایی‌کـه مسـؤولیتش ایجـاب می‌کـرد تـلاش و فعالیـت کـرده و می‌کنـد. رسـاندن پیـام صـلح بـه تمـامی نقـاط کشـور و جلـب حمایـت همـه گـروه هـا برای رسیدن به یک اجمـاع ملـی در پیونـد بـه تـأمین صلح نتیجهٔ واقعی این اقـدامات بـوده؛ لـذا مـی بینـیم که حالا صلح به عنـوان یـک مسـئلهٔ ملـی و ضـرورت حیـاتی مطـرح اسـت و بیشـتراز پـیش در اولویـت قرارگرفتـه اسـت. و حمایـت و همکـاری بـه رونـد صـلح در سـطح منطقـه و جهـان نیـز اعـلام گردیـده است. به هر صـورت در نتیجـهٔ اقـدامات انجـام شـده از جانـب شـورای عـالی صـلح و حمایـت و همکـاری های ملی و بین المللی پروسـهٔ صـلح؛ تـا ایـن مرحلـه به پیش رفتـه اسـت آنچـه اکنـون مـا بیشـتر از همـه ضـرورت و تـوقعش را داریـم حمایـت جـدی کشورهای اسلامی و بخصوص علمای امّت است.

حـالا بـا همکـاری شـما علمـای معـزز مـی خواهیم در رابطه به مسـئلهٔ مـذاکرات و زمینـه سـازی بـرای مـذاکرات مسـتقیم بـه هرشـکلی و در هرجـایی کـه از نظـر علمـای محتـرم بهتـر و ممکـن پنداشـته می شود، بحث و مشوره کنیم.

معززین کرام!

بـا همـه کاسـتی‌ها و ملاحظاتی‌کـه وجـود دارد بایـد ایـن را اذعـان داشـت کـه در ۱۲ سـال گذشـته تاریخ این کشـور به‌شـکل دیگـری رقـم خـورده اسـت و کشـور در همـهٔ ابعـاد از جملـه بعـد اقتصـادی، سیاسی، فرهنگی و غیـره تـا حـدی پیشـرفت هـایی را تجربـه کـرده اسـت. امـا بـرای تقویـت و ثبـات ایـن پیشـرفت هـا و هـم چنـان بـرای اینکـه افغانسـتان در همـه ابعـاد بـه طـور کامـل مسـتقلانه بـه‌پای خـود بایستد ما بـه زمـان بیشـتر ضـرورت داریـم کـه البتـه تـلاش تـوأم بـا حکمـت و تـدبیر هرفـرد افغـان و همچنـان حمایـت منطقـه‌ای جهـانی و بـه خصـوص جهان اسلام را می طلبد.

در اینجـا آنچـه از تریبیـون صـلح‌خواهانهٔ مـردم افغانسـتان بـه شـما وسـیله می‌شـوم ایـن اسـت کـه تأمین صلح در افغانستان بـه عنـوان بخشـی از جهـان اسلام بـه کمـک و همکـاری امـت مسـلمه نیـاز دارد. آنچـه در ایـن زمـان مـردم مـا درد آن را بیشـتر احسـاس مـی کننـد پدیـدهٔ جدیـدی سـت کـه مسـلمانان را مبـاح الـدّم می‌داننـد و تکفیـر می‌کننـد چیزی کـه رهبـر شـهید استاد برهـان الـدین ربـانی نیـز نسـبت بـه فراگیـر شـدن و پـس لـرزه هـای آن هشدار داده بودنـد و خواهـان موضـع روشـن علمـای اسلام شـدند کـه مـا هـم آن را دوبـاره از ایـن جمـع کریم خواهانیم.

البته پیداست کـه صـلح تنهـا بـا فرمـایش هـا و شماری از کارهای تشـریفاتی بـه میـان نمی‌آیـد فکـر می‌کنم ما برای رسـیدن بـه ایـن مـأمول بـه تـلاش توأم با حکمـت و تـدبیر و تعمـق بیشـتر نیـاز داریـم. ممکـن اسـت تعـدادی از افـراد و شخصـیت هـا و کشـورهایی‌که خـود را همکـار واقعـی می‌داننـد بـه نَحـوی بـه مسـئلهٔ افغانسـتان بـه دیـد دیگـری نگریسـته باشـند و در حصـهٔ کمـک بـه بعضـی مسـایل و عـدم همکـاری بـه صـلح ملاحظـات دیگری داشـته باشـند و دلایلـی را بـه زعـم خـویش نیز داشـته باشـند؛ امّـا فضـای پیچیـدهٔ ایـن کشـور و کشـتار مـردم بی‌گنـاه و نابسـاماتی چنـدین دهـه در میان ایـن ملّـت مسـلمان بـه تعمـق بیشـتر و راهکـار جدی‌تر و عملی‌تری ضرورت دارد.

به هر حال مـا بـه نقـش سـازنده و مـوثر علمـای محتـرم در راسـتای تـامین صـلح در افغانسـتان باورمنـدیم. شـورای عـالی صـلح معتقـد اسـت کـه رهنمایی و موضـع‌گیری روشـن شـما علمـای بزرگـوار در قبـال وضـعیت کنـونی بـه پروسـهٔ صـلح بـه ملّـت مسلمان افغانستان و درکـل بـه امّـت اسـلامی خـدمت بزرگی محسـوب می‌گـردد کـه انشـاء الله نـزد خداونـد خالی از اجر و ثواب نخواهد بود.

در پایـان بـار دیگـر از حضـور همـهٔ شـما تشـکر مـی کـنم از سـازمان همکـاری اسـلامی و از توجـهٔ خاص برادر محترم آقـای اکمـال الـدین احسـان اغلـو سـکرتر جنـرال ایـن سـازمان و نماینـدهٔ محتـرم ایـن سازمان در کابـل کـه بـرای برگـزاری ایـن کنفـرانس تـلاش زیـادی نمودنـد صـمیمانه اظهـار سـپاس مـی کـنم و امیـدوارم هسـتم کـه در رابطـه بـه همـهٔ مسـایلی کـه مطـرح شـد مشـوره و رهنمایی‌هـای بیشتر شما علمای گرانقدر را با خود داشته باشیم.

أقـول قولي‌هـذا وأسـتغْفرالله لـی ولکـمْ
والسّلام علیْکمْ و رحْمت الله

شهید

ژبارن: داکتر محمد طارق اقبال

دریمه برخه

د "شهید" منطق

هر څوک او هره ډله منطق لري؛یعني یوه فکري لار لري،هر څوک له خان سره کچې لري،چې په همدې د چارو او باید او نباید په اړه قضاوت کوي.

"شهید" ځانګړی منطق لري. د "شهید" منطق د معمولي وګړیو له منطق سره نه شي شمېرل کېدای. "شهید" د معمولي وګړیو په منطق کې نه ځاییږي او منطق یې ډېر لوړ دی؛داسې منطق،چې د عشق منطق دسموني له منطق سره اخږل شوی دی.

که خپلې تولنې ته د زړه سواندي سمونپال منطق او پر خدای مین عارف شور و خوږ سره ګډ کړو؛نو د "شهید" منطق تری راوځي.بنایي دا منطق هم سم نه وي.

ځکه وینو،چې کله "امام حسین" د "کربلا" پر لوري خوځي؛نو د قوم عاقلان یې منع کوي او ورته وایي: دا کار منطقي نه دی او رښتیا یې هم ویل. دهغوی د منطق له مخې، منطقي نه وو. دهغوی منطق،چې د معمولي او عادي انسان منطق و،چې یوازې د خپلو ګټو پر چورلیډ څرخېده او د ګټې او سیاست منطق و. له "امام حسین" سره تګ ورته منطقي نه برېښېده. "امام حسین" لوړ منطق لري، منطق یې د "شهید" منطق دی. د "شهید" منطق د عادي وګړیو له منطقه لوړ دی.

حضرت "عبدالله بن عباس" او حضرت"محمد بن حنفیه" واړه خلک نه ول، دوی روڼ لیدي سیاستوال ول، منطق یې د سیاست،ګټې او د هوښیارۍ له مخې، د وګړنې ګټو او پر سیالانو د بریا منطق و؛نو په رښتیا هم له "امام حسین" سره د دوی راتګ د غندنې وړ و. "ابن عباس" د یوې بلې لارې وړاندیز کوي؛هماغه لار، چې ټکې جن وکړي،خلک مخې ته راوباسي او خپله شاته درېږي،که خلکو کار پر مخ یووړ؛ دوی یې له پایلې ګټه اخلي او که ماته یې وخوړه؛نو دوی کوم تاوان نه ویني. ابن عباس وویل: ((د کوفې خلکو خو درته لیکلي،چې ملګرتیا ته مو چمتو یو.تاسې هم ورته ولیکئ،چې د "یزید" چارواکي وباسئ او وضع ارام کړئ؛نو له دې دوو کارو یو به یې وشي: یا به دا کار وکړي او یا نه ،تاسې به ارام ولاړ شئ او واګې به په لاس کې واخلئ او که ویې نه کړل؛ نو کوم ناروا به دې نه وي کړي.))

"امام حسین" ورته غوږ کېښود او ویې ویل:((خمه.)) ورته یې وویل: ((ویه وژل شې.)) ویې ویل، چې: ((شوم ؛نو شوی به یم.)) ورته یې وویل: ((سړی،چې خې او وژل کېږي؛نو له ځان سره ښځې او ماشومان نه وړي.)) ویې ویل: ((ښځه او بچې باید له ځان سره یوسم.))

هو! د "شهید" منطق بل منطق دی،د سوځېدنې او روښانولو منطق دی، د تولنې بیا راژوندي کېدو ته په تولنه کې د حل کېدنې او جذب کېدنې منطق دی،د انساني ارزښتونو په مړ جسم کې د روح پو کوني منطق دی، د زړورتیا زېږنې منطق دی او د اوړداندې منطق دی.

دا چې د "شهید" له کلمې د سپېڅلتیا شپول راتاو دی؛ځکه دا کلمه په ټولو کلمو کې ستره او سپېڅلې ده. که وو ایو: اتل؛نو له اتل پورته ده. که وو ایو: سمونپال؛نو له سمونپال پورته ده او څه،چې وو ایو، تری پورته ده.

د "شهید" د کلمې ځای کله هم بل کلمه نه نیسي او نه یې نیوای شي.

د "شهید" وینه

"شهید" څه کوي؟ د "شهید" کار یوازې دا نه دی،چې د دښمن مخې ته ودرېږي یا یې وژني یا وژل کېږي،که یوازې همدا وه؛نو باید وو ایو: چې کله د دښمن له خوا وژل کېږي او وینه یې توییږي؛نو وینه یې توی ولاړه. نه! کله هم نه! د "شهید" وینه کله هم توی نه ځي او وینه یې هسې پر ځمکه نه توییږي. د "شهید" د وینې هر څاڅکی په سل ګونو او زرګونو نورو څاڅکیو؛بلکې پر سمندر اوړي او د تولنې تنې تهنتوځي. پیغمبراکرم(ص) وایي: ((د خدای په لار کې د توی شوی وینې له څاڅکي بل غوره څاڅکی نه شته.))

"شهادت" د تولنې تنې ته د وینې پیچکاري کول دي او دا شهیدان دي،چې د تولنې رګونو او په تېره بیا هغو تولنو ته نوې وینه ورکوي،چې وینه یې کمه وي.

د "شهید" زړورتیا یا حماسه

"شهید" زړورتیا زېږي دی او دا یې ستره ځانګړنه ده،په هغو ملتونو کې،چې زړورتیا او په تېره بیا الهي زړورتوب ومري؛نو د "شهید"ستره ځانګړنه دا ده،چې دا مړه شوی زړورتیا له سره نوی کوي؛نو اسلام تل "شهید" ته اړین دی؛ځکه تل زړورتیا زېږي ته اړین دی؛نو زړورتیاوو او نویو پنزونو ته اړین دی.

د "شهید" تلپاتېتوب

یو څوک عالم دی او په علم تولنې ته خدمت کوي او په حقیقت کې په علم له خپلې وګړوالې راوځي او له تولنې سره یوځای کېږي او وګړیز شخصیت یې په علم د تولنې له شخصیت سره یوځای کېږي؛لکه څرنګه،چې څاڅکی له سمندر سره یوځای کېږي.عالم په حقیقت کې د خپل شخصیت یوه برخه اوخپل فکر په دې یوځای کېدو تلپاتې کوي.

بل مخترع دی او په خپلې اختراع ،له تولنې سره یوځای کېږي، تولنه ته یې خدمت دا دی،چې خپل فن او صنعت او خپل ځان په صنعت په تولنه کې تلپاتې کوي.

بل هنرمند دی،د ساري په ډول: شاعر دی او په فن او هنر په تولنه کې ځان تلپاتې کوي.یو د اخلاقو ښوونکی دی،په حکمتي نصیحتونو ځان په تولنه کې تلپاتې کوي،چې سینه په سینه لېږدېږي.

یو هم "شهید" دی،چې په خپلې وینې ځان په تولنه کې تلپاتې کوي؛یعني په تولنه کې تلپاتې وینه رامنځ ته کوي.

په بله وینا: یو خپل فکر ته ارزښت او تلپاتېتوب وربښي،چې عالم یا فیلسوف دی،بل خپل فن،هنر او صنعت ته ارزښت او تلپاتېتوب وربښي،چې د فن خاوندان،صنعتګران او هنرمندان دي او بل په خپلو عملي حکمتونو او لارښوونو؛خو "شهید" په خپلې وینې ، په حقیقت کې د خپلې هستی تول وجود ته تلپاتېتوب وربښي. د تولنې په رګونو کې تل د "شهید" وینه ځغلي. په حقیقت کې نوري دلي د خپل وجود د هستی یوې برخې ته تلپاتېتوب وربښي؛خو "شهید" په خپل وجود تولې هستی ته تلپاتېتوب وربښي.

پیغمبر اکرم(ص) وایي: ((د هر نېک کاري پر سر د بل نېک کاري لاس دی؛خو چې د خدای په لار کې "شهید" شي؛نو همدا چې د خدای په لار کې "شهید" شو پر سر یې بل لاس نه شته.))

ادامه لري

یاد های دردناک گذشته که فراموش نا شدنی است

فقیری

در هفتهٔ گذشته، فهرست پنج هزار افغان یعنی یک بخش کوچک از ده ها هزار شهید این کشور که به دست جلادان خون آشام تاریخ در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به دست آدمکشان بیرحم حزب دموکراتیک خلق و دستگاه جهنمی اگسا، به شهادت رسیده اند، یک موضوع مهم رسانه های داخلی و خارجی بود. افراد به اصطلاح تحلیلگر سیاسی که عمدتاً افراد کمونیست و وابسته به رژیم های کودتایی ۷ ثور و تجاوز وحشیانهٔ امپریالیسم جهانخوار روس اند، گویا پس از سرنگونی رژیم های ظالمانهٔ شان و اکنون فرصت یافته اند تا باز هم دهن باز کنند و هرچه از کینه و دشمنی با اسلام و مردم دارند، آن را در فضای آزاد دموکراسی غربی - که سال ها شعار مرگ بر امریکا می دادند- به رخ مردم بکشند و اوقات بیکاری خود را بازهم صرف دشمنی با اسلام و مردم نمایند. آفرین براین دموکراسی! و بدا به حال کسانی که سال ها شعار های ضد غربی می دادند و امروز جیره خوار دستگاه های غربی اند و رهبران شان در آن کشور ها آرمیده و گاهی به کشور می آیند!

جالب است که هنگام افشای جنایات سردمداران گروه های ملحد، پیروان آنها از پنجاه هزار و شصت هزار کشته در سال های بعد از ۸ ثور و پیروز مجاهدین صحبت می کنند و گویا قصد دارند تا این حادثه را مانند آن حادثه به حساب آورند! در حالی که:

۱- این بخش کوچک کشتار توسط جلادان بیرحم روز گار که فقط شامل پنجهزار تن می شود و ده ها هزار شهید دیگر که تا هنوز سرنوشت نامعلوم دارند... پدر بنده که فقیری نام داشت و در مرکز لغمان معلم بود، در سرطان ۱۳۵۷ توسط خلقی ها دستگیر شد و تا هنوز که بیش از سی و پنج سال از آن تاریخ می گذرد، اثر و نشانه ای از او پیدا نیست! کسی او را در زندان نه دیده و نه نام او در کدام فهرست زندانیان کشته شده، دیده می شود... پس او و ده ها هزار شهید دیگر، کجایند و چرا خبری از آنها در دست نیست.

در این فهرست اعلام شده، نام شهید مولوی محمد طاهر خطیب مسجد جامع مهترلام در سر صفحهٔ ۵۸ موجود است. خطیب لغمان که معلم لیسهٔ روشان هم بود، یک عالم دین و غیر مسلح، توسط جلادان دستگیر شد و اکنون نام او در این فهرست است... اما پدرم که صبح اشاره و نشانه ای از او دیده نشد، هرگز محاکمه نگردیده و همه شهداء نیز محاکمه نشده و دستگاه ضد امنیتی رژیم های کودتا همه را به فرمان رهبر لعین شان یا بدست والی و ولسوال کشته شده و بدون تحویل دهی اجساد این زندانیان شهید، در قبرهای نامعلوم و بدون نماز جنازه که کمونیست ها اصلاً عقیده ای به آن ندارند و حتی بدون فاتحه... تا امروز که فقط باور داریم که توسط آدمکشان به شهادت رسیده اند و اما چگونه؟ که معلوم نیست!

پس حکومت ها که ادعای حکومت کردن را دارند و باید از جان و مال مردم حفاظت کنند و تمام و سایل حکومت را در دست دارند و همه امکانات را در اختیار دارند اما با داشتن تمام قدرت سیاسی و امکانات لازم، مردم بیگناه را می کشند، محاکمه نمی کنند، برای آنان وکیل مدافع را در نظر نمی گیرند و خود سرانه تمام حقوق انسانی و حقوق بشر را زیر پاکرده و افراد این کشور را از مو سفیدان، علماء و معلمین و شاگردان... را توسط افراد دولت، والی ها، ولسوال ها و افراد زیر دست آنان، بدون اجازه و مجوز، می کشند و هرگز حقوق انسانی افراد را تحویل جنازه ها را نیز در نظر نمی گیرند!

پس این ده ها هزار شهید چگونه و در کجا توسط دولت به اصطلاح خلقی به شهادت رسیده اند و حقوق زندگی و مرگ آنان چرا در نظر گرفته نشده؟ این است دولت به اصطلاح خلقی و این است سیاست و روش خصمانهٔ همه کمونیست ها در برابر ملت مسلمان و بیدفاع افغانستان!

۲- آنچه که در مورد پنجاه هزار یا کم و بیش، کشته های دوران جنگ تنظیمی در کابل که عمدتاً توسط بیگانگان سازمان داده می شد، باید گفت: چه کسی و کدام منبع گزارش داده که به تعداد پنجاه یا شصت هزار نفر کشته شده اند؟ امروز که سازمان ملل متحد از یکسو چندین کشور ناتو و دولت افغانستان، توان احصائیه دقیق مردم کشور را ندارند، در حالی که اوضاع بطور کلی آرام و همه وسایل و امکانات در دسترس است، پس چگونه می توان به گزارش یک فرد، یک تلویزیون و یک منبع دیگر اعتماد کرد که تعداد کشته شده ها چند خواهد بوده است؟ همه می دانیم که در شرایط جنگی وجود گروه های مسلح، امکان آمار و احصائیه نیز وجوذ نداشت و این تعداد نیز کاملاً مبالغه و به دور از واقعیت است!

پس قاتل کدام گروه و یا شخص است؟ و چگونه می توان آن را مشخص ساخت؟ در حالی که در مورد اول، دولت به اصطلاح خلقی و زمامدار مشخص آن نور محمد تره کی و یا حفیظ الله امین و بعد در تجاوز شوروی ها که ببرک کارمل و نجیب و تعداد دیگری از پرچمی ها و خلقی ها که با لشکر مهاجم روس به کشور ما هجوم آوردند و سمت های مشخص چون رئیس شورای به اصطلاح انقلابی و نجیب به حیث رئیس خاد و قاتل هزاران افغان بیگناه، در آن حضور داشتند و نام های این خائنین و آدمکشان در صفحات تاریخ و در ذهن مردمان مظلوم و ستمدیدهٔ ما باقی است.

پس وجود یک دولت به اصطلاح خلقی را با همه توان و امکانات آن و جود فهرست طویل از هزاران هزار شهید کشور، دلیل بارز، علنی و آشکار در زندگی این جانبازان و آدمکشان است!

و اما دعوای پنجاه هزار و یا شصت هزار از دروغ های آشکار دشمنان اسلام و افغانستان است که هنوز یک فهرست کوچک آن به نشر نرسیده و اصلاً معلوم نیست که قاتل این مردمان کدام شخص و یا گروه بوده است.

روان همه شهدای راه خدا و آزادی کشور شاد باد!

هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم و ششم ۶ میزان ۱۳۹۲ ۲۳ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۴ – 28 September 2013

د سیمې په دواړو هیوادونوکې د ناامنیو ډېر والی

◆ رفیق بحر

د سیمې په دواړو گاونډیو هیوادونو (افغانستان او پاکستان) کې یوځل بیا ناامنیو زوراخستی دی؛ په پاکستان کې دتېرو دوه وو اونیو په دوران کې دناامنیو گڼې پېښې رامنځته شوي چې د نورو په پرتله دوه پېښې یکې د پاکستان امنیتی وضع ډېره زیاته د پوښتني لاندې رواستې ده؛ یوه پېښه هغه وه چې دافغانستان له سرحد سره نږدې د یوې چاودنې په وسیله رامنځته شوه، چې پکې یو لوړپوړی امنیتی مقام (یو پاکستاني جنرال) ووژل شو او ټپیان یې هم درلودل، هغه چې د پاکستان دولت لپاره ډېره درنه تمامه شوه او پداسې شرایطو کې رامنځته شوه چې د پاکستان نوي صدراعظم نواز شریف د پاکستاني طالبانو سره د مذاکراتو ترسره کولو لپاره اماده گي ښودلې ده. او بله پېښه تېره یکشنبه د پېښور په کوهاټی سیمه کې د یو عیسایي عبادت ځای مخې ته هغه مهال رامنځته شوه چې عیسایې عبادت کوونکي له خپل عبادتځای څخه دوتلو په حال کې وو؛ چې پکې له اتیاوو ډېر وژل شوي او له سلو پورته شمېره کې ټپیان وو او په وژل شوو کسانو کې ددغه عیسایي عبادتځای دوه مسلمان ساتونکي هم شامل وو. دغې پېښې د نړیوالو پام یوځل پاکستان ته اړولی دی؛ ځکه تر دامهاله په پاکستان کې دننه د ناامنیو د پېښو تلفات یا شیعه لړکي وو او یا به امنیتی مسوولین وو؛ لکه چې د پاړه چنار په څو پېښو کې د پېښې د تاوانیانو بنه داسې وه او یا په دغه بله وروستی پېښه کې د یو جنرال د وژل کېدو سربېره څو نور د ملي اردو کسان ټپیان شوی وو.

د پاکستان د نوي صدراعظم د رامنځته کېدو سره ددې طمع کېده چې ښایې د پاکستاني طالبانو حملې کمې شي خو نږدې دوه اونی وړاندې د پاکستان په امنیتي وضع او د طالبانو سره دسولې په مسئله دپاکستان دمختلفو سیاسي گوندونو له کنفرانس وروسته چې پکې متضاد نظرونه رامنځته شول؛ اسلامپالو گوندونو د طالبانو سره د سولې او مذاکراتو د لیارې د نېولو وړاندیز تائید کړ او سیکولرو گوندونو یې پر خلاف د سختو عملیاتو غوښتنه کوله او د واکمن نظام مطرحو گوندونو هم متضاد نظرونه لرل، نو پاکستانی طالبانو د خپل زور د ثابتولو لپاره وروستی دوه درنې حملې ترسره کړې؛ دا پداسې حال کې ده چې امریکا یې بې پیلوټه طیارو لا تر اوسه هم (د پاکستان د صدر اعظم لخوا یې د ودرېدو د غوښتنې سره سره) خپلې حملې ندي بندې کړې او په خپل نږدې وروستي برید کې یې هم، د وزیرستان په یوه سیمه کې اوه کسان وژلي دي.

بلې خوا ته په افغانستان کې هم د سولې اونی او شهیدانو د ورځو د لمانځلو په موده کې د هیواد په بېلا بېلو ولایتونو کې د دولت د وسله والو مخالفینو لخوا عملیات ترسره شوي دي چې پکې د وردگو، غزنې، فراه او جنوبي ولایتونو سربېره دا ځل شمالي ولایتونه او په ځانگړی توگه بدخشان هم د ناامنیو ښکار شوی دی او په ورته توگه د امریکایي ډراوون الوتکو لخوا په کنړ او ارزگان ولایتونو کې په دوه وو جلاجلا پېښو کې ملکي وگړي هم شهیدان شوي دي. همدارنگه درې اونی وړاندې د کابل کندهار په لویه لار د ولسي جرگې د یوې غړې د طالبانو لخوا برمته کېدل او بیا بیرته یې د خپلو بندیانو په تبادله کې پرېښودل او ورسره سم، پدغه لویه لیار د چلیدونکو موټرونو څلوېښتو شرکتونو یو اتحاد د احتجاج په توگه د څو ورځو لپاره تگ راتگ بندول، د افغان دولت د ضعف ثبوت دی، چې لا تراوسه هم دغه لیار لا د پخوا په څېر ناامنه ده او هم پایتخت ته نږدې د گڼ تگ راتگ بله لیار (کابل ـ جلال اباد لیار) هم تیره شنبه د څو ساعتونو لپاره د طالبانو لخوا د یرغل لامله بنده شوې وه او د کابل په پنځه څلوېښت کیلومتری کې پروت پروان ولایت کې ناست ښاروال او مسوولین بیا د لا قانونه وسله والو له ډیربښت او واک لاس کې اخستلو څخه سر تکوي او هم د کاپیسا ولایت په کوهستان ولسوالی باندې د طالبانو وروستی یرغل (د پنجشنبې د ورځې د خبرونو له مخې) بله هغه پیښه ده چې ډیره حیرانوونکې ده؛ ځکه د کاپیسا او پروان په څیر نږدې ولایتونو کې هم ناامنی رامنځته کېدل، پوښتنې راولاړوي چې اوسنی دولت ورځ تر بلې څنگه پداسې سرعت سره کمزوری کیږي؛ پداسې حال کې چې ولسمشری او ولایتي ټاکنو لپاره د نوم ثبتولو د مودې په اغاز د یوې اونی په تیریدو سره لا تراوسه له کاندیدانو څخه چا خپل اوراق د ټاکنو کمیسیون ته ندي سپارلي.

د ناامنیو داسې چټکو پېښو په رامنځته کېدو گڼ شکونه راولاړیږي؛ ځکه له یوې خوا د اوسني نظام مطرح سیاسي گوندونو او شخصیتونو د ټاکنو لپاره د تیاری نیولو په نیت د ایتلافونو په جوړولو سره یوه هیاهو جوړه کړې خو د نوم ثبتولو درک نه لگیږي. او بیا بل پلو ته په ولسمشر کرزي باندې د ټاکنو د پروسې د له مینځه وړلو لپاره د ځمکې لاندې هڅو تور بابیزه گڼل هم ندي پکار، که څه هم په څرگنده ورڅخه کله نا کله خپل ملاتړ ښایې او دغه ډول ته یو ډب ورکوي. خو د سیاسي مخالفینو د اتحاد لخوا هم د کاسې لاندې نیم کاسه ښکاري؛ چې ښایې ډیر ژر به څرگنده شي.

همدارنگه له بل پلوه د امریکا لخوا د سیمې دواړو گاونډیو لپاره د ځانگړی استازي جیمس ډابن لخوا هم هغه ډول ته اونی کې یو ډب ورکول کیږي چې امریکا غواړي د اکتوبر میاشت څخه وړاندې له افغانستان سره د امنیتي تړون د لاسلیک کولو کار تمام کړی؛ دغه دواړه زمزمې په افغانستان کې د نا امنیو له چټکو پېښو سره په یوه بڼه د علت او معلول اړیکه لري؛ هغه څه چې د ولسمشر کرزي د لوبغاړیتوب وروستي میدان په گوته کوي؛ چې و به یې گټي او که به یې وبایلي.

مجلس نمایندگان به وزیران پیشنهادی رأی مثبت دادند



اندیشه

مجلس نمایندگان به دو وزیر پیشنهادی رئیس جمهوری، یک عضو دادگاه عالی و یک عضو نظارت بر تطبیق قانون اساسی رأی اعتماد داد، اما یک مقام پیشنهادی دیگر نتوانست رأی اعتماد لازم را به دست آورد.

در رأی گیری که روز چهارشنبه، ۳ میزان صورت گرفت، عمر داوود زی با ۱۵۳ رأی موافق، ۵۵ رأی مخالف، ۹ رأی سفید و ۵ رأی باطل به عنوان وزیر داخله مورد تأیید قرار گرفت.

محمد خپلواک نامزد پیشنهادی برای وزارت سرحدات اقوام و قبایل نیز با ۱۳۲رأی موافق، ۶۹ رأی مخالف، ۴رأی باطل و ۱۶رأی سفید توانست رأی اعتماد مجلس را بگیرد.

براتعلی متین با ۱۵۴رأی موافق، ۵۰ رأی مخالف، یک رأی باطل و ۱۷ رأی سفید به عنوان عضو دادگاه عالی افغانستان و لطف الرحمن سعید با ۱۵۹ رأی موافق، ۴۰رأی مخالف، دو رأی باطل و ۲۱رأی سفید به عنوان عضو نظارت بر تطبیق قانون اساسی تأیید شدند. اما نصرالله استانکزی تنها فرد پیشنهادی رئیس جمهور بود که با کسب ۱۰۶ موافق، ۸۶ رأی مخالف، ۶ رأی باطل،۲۳ رأی سفید نتوانست اعتماد مجلس را برای عضویت در نهاد نظارت بر تطبیق قانون اساسی به دست آورد.

۲۲۳ نفر از نمایندگان شورای ملی افغانستان در نشست روز چهارشنبه حضور داشتند و افراد پیشنهاد شده می بایست دست کم ۱۱۲ رأی مثبت را به دست آوردند.

حامد کرزی چندی قبل عمر داوود زی، سفیر سابق افغانستان در پاکستان را به عنوان وزیر داخله، محمد خپلواک را به عنوان وزیر اقوام و قبایل و سرحدات و رحمت الله نبیل را به عنوان سرپرست امنیت ملی افغانستان معرفی کرد. نشست روز چهارشنبه مجلس نمایندگان اندکی با تنش همراه بود.

رمضان بشر دوست، نمایندهٔ کابل، به روند ارزیابی مدارک تحصیلی افراد معرفی شده اعتراض کرد و گفت که هیچ یک از مدارک ارائه شده به مجلس نمایندگان توسط وزارت تحصیلات عالی تأیید نشده است.

اعتراض او باعث شد که عبدالروف ابراهیمی رئیس مجلس نمایندگان، از نیروهای امنیتی بخواهد به دلیل تنشج در جلسه، بشر دوست را از جلسه عمومی اخراج کند. اما اخراج بشر دوست از سوی رئیس مجلس اعتراض برخی نمایندگان را نیز بر انگیخت.

نشست مشترک شورای عالی صلح و نمایندگان جامعهٔ مدنی

نشست مشترک شورای عالی صلح با جامعهٔ مدنی به روز پنجشنبه چهارم ماه میزان در کابل تدیر یافت. در این نشست که نمایندهٔ یونما و نمایندگان سفارت های کشورهای بیرونی حضور داشتند هر دو طرف روی اوضاع جاری، نقش جامعهٔ مدنی درآوردن صلح و تلاش های مشترک تأکید کردند و یک اعلامیهٔ مشترک را به امضاء رساند.

صلاح ا لدین ربانی رئیس شورای عالی گفت: آنچه به روند صلح ارتباط می گیرد، جامعهٔ مدنی می تواند به مراتب نقش اساسی تر و مهم تری را در تقویت و گسترش این پروسه بازی کند. این نشست مشترک به مناسبت دومین سالروز شهادت شهید صلح افغانستان، هفته صلح و وحدت ملی برگزار شده بود.

رئیس شورای عالی صلح افزود، میکانیزم حاضر برای پیشبرد روند صلح به عنوان یک روش کاملاً مناسب و موفق است. وی از اعضای جامعهٔ مدنی خواست در تقویت بخشیدن این روند صدای خود را بلند نمایند تا در کشور صلح و ثبات تأمین گردد.

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح تصریح کرد: باور مند هستیم که مسؤولیت جامعهٔ مدنی کشور به مراتب بیشتر از دیگر اقشار جامعه است و خواهران و برادران می توانند نقش مهمی را در آوردن صلح در کشور ایفا نمایند. در نشست شورای عالی صلح و جامعهٔ مدنی، صلاح الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح سخنرانی مبسوطی ایراد نمودند که در شمارهٔ آیندهٔ هفتهٔ نامهٔ مجاهد به نشر خواهد رسید.

چند روز پیش شورای صلح افغانستان کنفرانس علمای اسلام را در کابل برگزار نموده بود که در آن ۲۰۰صد تن از علمای با نام از سراسر دنیا شرکت کرده بودند. شورای عالی صلح نشست های متعددی را در این اواخر با استفاده از مناسبت های هفتهٔ شهید و هفتهٔ صلح با جهات مختلف راه اندازی نموده و در مشوره با آن ها به پیشرفت هایی زیادی در روند صلح نایل گردیده است.